

تصمیمات قضائی

۱ - جزائی

حکم شماره $\frac{۲۲۲۱}{۳۵/۵/۸}$ هیئت هفت نفری دیوان عالی کشور

سرگرد یدالله رئیس شهربانی بابلسر باتهاماتی از جمله استفاده از اموال شهربانی تحت تعقیب دادسرای شهرستان بابل قرار گرفته آقای بازپرس قرار منع تعقیب صادر و پس از اقدامات دادستان موافقت نموده ولی نسبت با استفاده از اموال شهربانی و بردن درب انبار عقیده ب مجرمیت متهم مزبور داشته آقای بازپرس بعقیده قبلی خود باقی مانده و پرونده برای رسیدگی و حل اختلاف بشعبه ۲ دادگاه استان مازندران ارجاع گردیده دادگاه بشرح رأی ۱۴۲-۲۶/۱۳/۳۴ که رونوشت آن در پرونده موجود است و خلاصه گزارش کار در رأی آن نوشته شده قرار بازپرس را استوار کرده و دادگاه تجدید نظر اداری شهربانی کل کشور نیز در این مورد ضمن رأی ۳۵/۳/۵ نگاشته (ضمناً در مورد یک جفت درب انبار مخروبه شهربانی بارزش ۴۰۰ ریال که افشر مشارالیه متهم برداشتن آنها آنها و نصب در گاراژ و شخصی خودش گردیده چون بنظر دادگاه عمل آن اختلاس و رسیدگی بآن از صلاحیت دادگاه اداری شناخته میشود ولی دادگاه استان ۲ عمل را طبق نظر آقای بازپرس سرقت تشخیص داده اند بنا بر این با استناد ماده ۴ قانون آئین دادرسی مدنی پرونده بدفتر دیوان عالی کشور جهت حل اختلاف ارسال میگردد .

هیئت ۷ نفری دیوان عالی کشور در تاریخ اول مردادماه ۳۵ مرکب از آقایان مرقومین ذیل در محل شعبه یک دیوان کشور تشکیل .

- ۱ - آقای مرتضی ویشکائی رئیس شعبه ۷ دیوان کشور
- ۲ - آقای محمود دره رئیس شعبه ۸ دیوان کشور
- ۳ - آقای سید ابوالفضل صدر رئیس شعبه ۳ دیوان کشور
- ۴ - آقای سید صالح صالح مستشار شعبه ۱۰ دیوان کشور
- ۵ - آقای مهدی اعتماد مقدم مستشار ۱ دیوان کشور
- ۶ - آقای فتح الله فرزار مستشار شعبه ۱ دیوان کشور
- ۷ - آقای محمد حسن شیرازی مستشار شعبه ۱ دیوان کشور

و پس از قرائت گزارش آقای حاجبی و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی جناب آقای دادستان کل دیوان کشور مبنی بر اینکه با صدور رأی قطعی از دادگاه استان در باب منع تعقیب متهم موردی برای حل اختلاف در صلاحیت نیست مشاوره نموده چنین رأی میدهند :

چون با تعدد موارد اتهام اقدام بازپرس و صدور قرار (بفرض که رسیدگی نسبت یکی از موارد اتهام در صلاحیت دادگاه شناخته شود)

تصمیمات قضائی

قانونی بوده و با این مقدمه پس از بروز اختلاف بین دادستان و بازپرس دادگاه استان قانوناً مرجع رسیدگی است بنابراین این اقدام دادگاه استان در رسیدگی از حیث صلاحیت خالی از اشکال میباشد.

۲ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۲۴۴۷}{۳۵/۱۱/۷}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گردش کار - بانوطا هره بطرفیت آقای عطاءالله بخواسته ۵۰۰۰۰ ریال دردادگاه شهرستان تبریز اقامه دعوی نموده و توضیحاً اشعار داشته یکچارک از نهر لمجوکه ملک اینجانبه است خواننده از تاریخ مهر ماه دوم شعبان ۴۹ قمری تا تاریخ اول مهرماه ۲۷ که ۱۷ سال میباشد عایدات آنرا برده که مطابق خواسته است و تقاضای رسیدگی رانموده دادگاه پس از رسیدگی و ارجاع امر بکارشناس در تاریخ ۳۰/۶/۵ خواننده را غیباً محکوم بپرداخت پانزده هزار ریال وجه نقد و نه خروار گندم اجرت المثل ده ساله لمجو یکچارک آب مرقوم محکوم نموده این حکم درموقع واخواهی استوار گردیده و در رسیدگی پژوهشی پژوهش خواه اعتراضاتی نموده و شعبه اول دادگاه استان آذربایجان پس از رسیدگی چنین رأی داده است: آنچه از پرونده ثبتی مستفاد است اصولاً نهر لمجواز توابع قریه ارسی ملکی دولت محسوب گردیده و طبق حکم قطعی بملکیت دولت درآمده و مدرک دولت بموجب سند رسمی بدیگری منتقل گردیده و حاجیه خانم و معصومه خانم در نهر مزبور مالکیتی نداشته اند تا هر یک مقداری از آنرا صدق بانوطا هره قرار دهند دادنامه پژوهشخواسته گسیخته میشود و خواهان بدوی در دعوی مطالعه عوائد یکچارک از نهر لمجو محکوم به حقی است از حکم مزبور وکیل بانوطا هره درخواست رسیدگی فرجاسی کرده و شعبه چهارم دیوان کشور در تاریخ ۳۲/۳/۵ رسیدگی نموده و بشرح زیر رأی صادر کرده موافق ماده ۱۷۰ قانون آئین دادرسی مدنی در صورتیکه خواننده در یکی از جلسات رسیدگی دادرسیهای عادی حاضر شود ولو اینکه در جلسات بعد غایب بوده حکم دادگاه حضوری خواهد بود و از اینکه موافق ماده ۱۴۳ قانون مزبور در دعوی مربوط باجرت المثل اعیان خانه و انبار و دکاکین قواعد دادرسی اختصاری باید رعایت شود نه مطلق اجرت المثل احراز میشود که دعوی راجع باجرت المثل املاک مزروعی و نهر و امثال آن از مواردی است که قواعد دادرسی عادی نسبت بان میبایست رعایت شود چنانکه در این مورد هم دادرسی بطریق عادی جریان یافته و چون خواننده در جلسه اول دادرسی بدوی حضور داشته و رسیدگی با حضور او انجام شده حکم دادگاه نسبت باو حضوری محسوب و با این حال قبول دادخواست اعتراض و رسیدگی مجدد دادگاه حکمی که بعد صادر نموده مخالف قانون بوده و چون در مرحله پژوهشی هم باین مراتب توجه نشده است حکم فرجاسخواسته برخلاف قانون بوده و بموجب ماده ۵۰۶ آئین قانون آئین دادرسی مدنی باتفاق شکسته میشود و رسیدگی به شعبه دیگر استان آذربایجان رجوع میشود شعبه سوم دادگاه استان آذربایجان پس از رسیدگی بشرح زیر رأی صادر کرده است:

تصمیمات قضایی

از جمله اعتراضات وکیل پژوهشخواه این است که نهر لمجو از توابع قریه ارسی محسوب و ملک دولت بوده و طبق حکم قطعی به ملکیت دولت در آمده و بعداً وزارت دارائی بموجب سند رسمی به آقای احمد میرزا منتقل نموده و مطالبه مبلغ پنجاه هزار ریال بابت عوائد هفده ساله یک چارک از آب لمجو مهریه از طرف بانوطاهره موردی نخواهد داشت و سایر اعتراضات که حاجتی بذکر نمیباشد اعتراضات مزبوره بنظر دادگاه مستدل بوده و وارد است اولاً طبق مقررات مدلول ماده ۱۴۳ قانون آئین دادرسی مدنی دعوای حاصله از مطالبه اجور سنواتی اعم از مستقات و مزروعی و دعاوی مربوطه به حقوق زوجیت اختصاری است باید در موارد مزبوره قواعد محاکمه اختصاری مراعات شود در مورد دعوای اقامه شده از طرف بانو طاهره علاوه از اینکه دعوای مزبوره اجرت المثل است و مربوط بحقوق زوجیت میباشد دادگاه بدوی مکلف بوده در محاکمه مزبوره قواعد محاکمه اختصاری را رعایت کند بدعاوی جریان دادن دادرسی مزبوره را در دادگاه بدوی بعنوان دادرسی عادی بيمورد و برخلاف مقررات میباشد و بنظر دادگاه استان محاکمه مزبوره اختصاری تلقی میشود و ثانیاً مطابق محتویات پرونده ثبتی که در صورت مجلس مورخه ۳۱/۶/۸ دادگاه شعبه اول استان منعکس است نهر لمجو از توابع قریه ارسی محسوب و به ملکیت دولت در آمده و از طرف دولت علیه آقای احمد میرزا برادران انتقال داده شده و بنام مشارالیه سند مالکیت صادر شده اقامه دعوی از طرف بانو طاهره بمدعی به فوق بابت عوائد هفده ساله یک چارک نهر لمجو موردی نخواهد داشت و صدور حکم دایر بر محکومیت پژوهشخواه بتادیه نه خروار گندم و پانزده هزار ریال وجه نقد بعنوان عوائد هفده ساله یک چارک نهر لمجو در حق بانوطاهره صفری مستدل نبوده نظر بجهات مزبوره حکم مستأنف عنه معلول و فسخ میشود و بانوطاهره در دعوی اقامه شده و مطالبه مدعی به مزبوره بطرفیت آقای عطاءالله محکوم به بطلان دعوی میباشد وکیل بانو طاهره از حکم مزبور درخواست رسیدگی فرجامی کرده حسب الارجاع پرونده کاریه شعبه چهارم دیوان کشور محول گردیده اعتراضات بشرح لایحه و پاسخ فرجامخوانده پیوست است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست آقای رئیس دیوانعالی کشور با حضور آقای دادستان کل کشور متشکل از آقایان رؤساء و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل است.

پس از قرائت گزارش و پرونده و مشاوره در اطراف موضوع و استماع نظریه جناب آقای دادستان کل کشور که مبنی بر نقض بود باتفاق بشرح زیر رأی میدهند:

نظر دادگاه استان که دعوی را راجع بحقوق زوجیت و ادعای اجرت المثل املاک مزروعی و نهر را هم از موارد مقرر برای دادرسی اختصاری دانسته صحیح نیست زیرا مهر اعم از اینکه دین یا عین باشد خارج از عنوان حقوق زوجیت مذکور در شق پنج ماده ۱۴۳ آئین دادرسی مدنی است و همانطور که در حکم شعبه ۴ دیوانعالی کشور استدلال شده

تصمیمات قضائی

از قید عبارت (خانه و انبار و دکاکین و امثال آن) از شق يك ماده مرقوم و اینکه امثال خانه و دکان ناظر است بمستقلات دیگر از قبیل حمام و کاروانسرا و غیره استفاده و احراز میشود که دعاوی راجعه باجره المثل و اجاره املاک مزروعی و نهر مشمول ماده مذکور نبوده و رسیدگی اختصاری نسبت بآن جایز نیست و در این مورد که خواسته دعوی اجرة المثل نهر زراعتی و فرجناخواه در بعضی از جلسات اولین دادگاه نخستین حضور داشته حکم شماره ۵۸۱-۴۰/۶/۵- دادگاه مزبور طبق ماده ۱۷۰ قانون بالا حضوری و غیر قابل و خواهی در آن دادگاه بوده و قبول دادخواست و خواهی بر حکم مذکور و رسیدگی مجدد دادگاه شهرستان باصل دعوی مجوزی نداشته و رسیدگی دادگاه استان هم باصل دعوی بيمورد و مخالف قانون بوده است بنا بر این حکم فرجناخواسته بموجب شق ۴ ماده ۵۵۹ آئین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته و ختم امر بشعبه دیگر دادگاه استان آذربایجان رجوع میشود..

۳- جزائی

حکم شماره $\frac{۲۲۸۴}{۳۵/۵/۱۱}$ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

گزارش کار - باقر ۳۱ ساله پسر فرج الله اهل و ساکن لائین باتهام ایراد جوح منتهی بفوت محمد (موقع چیدن پشم گوسفند بین آن دو نفر مشاجره شده و باقیچی پشم بری ضربتی بناحیه قلب محمد زده که منجر بمرگ او شده است) بموجب ماده ۱۷۱ (قسمت اخیر) در دادگاه جنائی استان ۹ تعقیب و دادگاه یاد شده با انجام تشریفات مقرر مقدماتی برسدگی پرداخته و در نتیجه با احراز ارتکاب طبق ماده استنادی ناظر بماده ۱۷۰ و رعایت مواد ۴۴ - ۱۹۲ نامبرده را بهفت سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم نموده این حکم بر اثر فرجام خواهی محکوم در شعبه هشتم دیوان کشور مطرح و از جهت اینکه قیچی الت قتاله نبوده تا مورد با ذیل ماده ۱۷۱ قابل تطبیق باشد شکسته شده و رسیدگی بدادگاه جنائی تهران ارجاع و شعبه ۲ دادگاه یاد شده با انجام تشریفات مربوط بانتهاب و کیل مدافع و تشکیل جلسه مقدماتی پنج نفری و تعیین وقت دادرسی برسدگی پرداخت و در نتیجه با احراز ارتکاب در حدود قسمت اخیر ماده ۱۷۱ ناظر بماده ۱۷۰ (از نظر حساسیت موضع و قتاله بودن آلت) و رعایت مواد ۴۴ - ۱۹۲ باقر را با کثرت بهفت سال حبس با اعمال شاقه و پرداخت یک هزار ریال هزینه دادرسی محکوم و مقرر داشته که قیچی الت جرم نیز ضبط گردد محکوم درخواست رسیدگی فرجامی نموده است.

جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور مرکب از آقایان رؤساء و مستشاران

تصمیمات قضائی

دیوانعالی کشور و بریاست جناب آقای رضا تجدد رئیس شعبه ۶ دیوانعالی کشور با حضور جناب آقای دادستان کل کشور تشکیل است :

پس از قرائت گزارش جریان پرونده و آراء صادره و مشاوره در اطراف موضوع و کسب عقیده جناب آقای دادستان کل کشور که مبنی بر ابرام حکم بود با کثرت آراء چنین رأی میدند .

همانطوریکه دادگاه جنائی در رأی خود اشاره نموده قیچی باعتبار محل اصابت (ناحیه قلب) و حساسیت آن در این مورد آلت قتاله محسوب و حکم فرجام خواسته خالی از اشکال است و ابرام میگردد .

۴ - حقوقی

حکم شماره $\frac{۱۸۹}{۳۶/۳/۳}$ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

جریان - در سال ۱۳۳۰ آقای احمد بوکالت از طرف بانوان شوکت و زینت الملوک و همدم الملوک و گوهر تاج بطرفیت صدرالدین بمدعی به تخلیه در دادگاه شهرستان فسا اقامه دعوی مینماید باین شرح خوانده باستناد یک برگ اجرائیه صادر از دادگاه شهرستان شیراز بمحکومیت ورثه مرحوم حاج مهندس الدوله یک درب باغ مشهور بیابغ نخلی بانضمام یک قطعه زمین مشهور بزمین ساروجی واقع در فریمان فسا را تصرف نموده در صورتیکه زمین و باغ مزبور بموجب گواهی اداره ثبت اسناد بنام موکله اینجانب به ثبت رسیده و سند مالکیت بنام آنها صادر شده و خواننده مکلف بوده اگر حقی نسبت بر قببات ثبت شده برای خود تصور میکرده گواهی دادگاه مربوط را به ثبت اسناد تقدیم دارد والا با صدور سند مالکیت ادامه این دعوی مورد نداشته و بالملازمه صدور اجرائیه هم بيمورد بوده زیرا طبق ماده ۲۴ و ۷۳ قانون ثبت عملیات و تصرف خواننده در این دو رقبه مستند قانونی ندارد لذا رسیدگی و صدور حکم بر تخلیه ید خواننده با تأدیه خسارات دارم پس از جری دعوی و رسیدگی دادگاه بشرح رأی شماره ۱۶ خلاصه بعنوان اینکه بموجب پرونده $\frac{۱۲}{۲۷}$ و حکم شماره ۴۰ - $\frac{۲۸}{۱/۳۰}$ و اجرائیه شماره ۱۷ - $\frac{۳۰}{۵/۲۲}$ دعوی بین بانوان شوکت و همدم و زینت الملوک و گوهر تاج و صدرالدین بقائم مقامی محمدحسن رسیدگی و نسبت بان حکم فرجامی صادر و اجراء گردیده لذا بموجب ماده ۲۰۳ لایحه قانونی اصلاح آئین دادرسی مدنی و شق ۸ از ماده ۱۹۷ همان لایحه قانونی قرارداد خواست خواهانها را صادر و اعلام میدارد پس از استواری این قرار در دادگاه استان هفتم بشرح رأی شماره ۲۰۸ - $\frac{۳۲}{۷/۱۹}$ و نقض آن در شعبه سوم دیوان کشور باین شرح (با اینکه دعوی سابق آقا شیخ محمد حسین کشمیری (پدر فرجام خوانده) باین عنوان بوده که رقبات مورد نزاع بمرحوم حاجی میرزا محمد صادق پدرش تعلق داشته و بعنوان ارث بمشارالیه منتقل گردیده و تصرفات خوانندگان در رقبات مزبوره غاصبانه است و دعوی فعلی فرجام خواهان تحت این عنوان میباشد که چون سند مالکیت رقبات

تصمیمات قضائی

مزبور به بنام آنان صادر گردیده حکم سابق بی اثر است دعوی فعلی غیر از دعوی سابق بوده است لذا استناد دادگاه بشق ۸ ماده ۱۹۷ و ۲۰۳ لایحه قانونی مورد نداشته و میبایستی دعوی فعلی مورد رسیدگی دادگاه واقع شده باشد و لذا نقض و ختم امر بشعبه دیگر دادگاه استان هفتم ارجاع میگردد پس از نقض شعبه اولی دادگاه استان هفتم بشرح رأی شماره ۸۸ - ۳۴/۵/۴ مجدداً قرار پژوهش خواسته را استوار مینماید که اینک مورد تقاضی رسیدگی فرجایی و اعتراض خلاصه اینست که دعوی فعلی غیر از دعوی سابق و عنوان مطلب و تفاوت داشته و بعلاوه مکرر گفته شده که باغ نخلی مورد صدور حکم مشخصاتی ندارد و همچنین یک قطعه زمین ساروجی بحال اشاعه مورد حکم بوده و فعلاً موکلات اظهار میدارند که باغ نخلی مورد دعوی بر حسب پرونده ثبتی از طرف آقای حاج سید احمد مذهب بانان انتقال داده شده و ابداً ارتباطی با دعوی مطروحه سابق ندارد و باوجود سند مالکیت بدون اینکه حکمی بیطلان آن صادر شده باشد نمیتوان خلع ید مالک قانونی آنرا نمود و نتیجه نقض حکم تقاضی شده است.

جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور جناب آقای جواد عامری دادستان کل و آقای دکتر علی آبادی معاون اول دادسرای دیوان کشور و آقایان رؤسا و مستشاران دیوانعالی کشور تشکیل است: پس از قرائت گزارش پرونده و مطالعه آراء صادره و مذاقه در موارد مربوطه و مشاوره در اطراف موضوع و اصغاء بیانات جناب آقای دادستان کل کشور که مبنی بر قابل استماع بودن موضوع بود بشرح زیر رأی میدهند:

شق ۸ از ماده ۱۹۷ لایحه قانونی که مورد استناد دادگاه واقع و نتیجه با استناد شق مزبور از رسیدگی بدعوی امتناع ورزیده نسبت بمورد بحث مشمول نداشته زیرا امتناع از رسیدگی در موردی است که دعوی از حیث موضوع و طرفین و مستند متحد بوده باشد و در این مورد دعوی قبلی تخلیه بوده که منجر بصدور حکم و اجرائیه گردیده و دعوی اخیر تحت این عنوان اقامه شده که نسبت بر قببات مورد تخلیه سند مالکیت صادر گردیده و با این وصف خلع ید فرجام خواهان مورد نداشته و در چنین صورتی از نظر تعارض سند مالکیت با حکم قطعی امتناع از رسیدگی صحیح نبوده و اقتضا داشته دادگاه رسیدگی نموده و تکلیف سند مالکیت را در حکم خود معلوم نماید لذا نظر بمراتب فوق قرار فرجام خواسته مخدوش و باتفاق آراء نقض و ختم امر بهمان دادگاه صادر کننده قرار ارجاع میگردد.